

## روابط ایران و آمریکا: از گامهای اعتمادساز تا برخوردهای زورمدار

دکتر محمدرضا تخشید - استادیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
سید محمدعلی علوی - دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

کرد.

در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی سیر دگرگونیهای تاریخی ایران، نقش ایالات متحده آمریکا را در فراز و فرود مناسباتش با ایران تبیین کنیم. فرضیه مقاله از دسته‌بندی برخی رویدادهای تاریخی میان دو کشور مایه می‌گیرد و روابط میان دو کشور در سه برهه تاریخی و با سه تصویر متفاوت دسته‌بندی می‌شود. از این دیدگاه، در تصویر نخست، اقدامات و فعالیتهای آمریکا در ایران، برای به‌دست آوردن جایگاه و استوار کردن جای پای خود در برابر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا نشان داده می‌شود که در آن گونه‌ای حس اعتماد و خوش‌بینی به آمریکا در هر دو عرصه مردمی و حاکمیتی وجود داشته است. این تصویر پس از جنگ جهانی دوم و در جریان ماجرای ملی شدن صنعت نفت، نزد ایرانیان خدشه‌دار شد و از آن پس به دیده تردید و بدبینی به آمریکا نگرستند؛ هرچند رفته رفته این روابط در سطح حاکمیتی در چارچوب همپیمانی درجه یک و استراتژیک جای گرفت. در تصویر سوم، پس از انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آمریکا به دست دانشجویان، پایه‌های روابط با آمریکا، در هر دو بُعد مردمی و حاکمیتی تغییر یافت و رفته‌رفته بر بی‌اعتمادی میان دو کشور افزوده گشت. در این نوشتار می‌کوشیم با افکندن نگاهی به برخی از برهه‌های تاریخی روابط میان ایران و آمریکا بعنوان شواهدی برای ارزشیابی فرضیه پردازیم و رفتار آمریکا را در برابر ایران بررسی کنیم:

سیر تاریخی روابط میان ایران و آمریکا دستخوش فراز و فرودهایی چند بوده است. نخستین مراحل روابط، با خوش‌بینی و گامهای اعتمادساز همراه بوده است؛ درحالی‌که در دوران کنونی، برخوردها با نوعی بدبینی و نبود اعتماد میان طرفین همراه است. چرایی یا چگونگی نهادینه شدن چنین فضایی میان دو کشور موضوعی است که باید بررسی شود. در این نوشتار برآنیم که با رویکرد پژوهش تاریخی به بررسی این مهم پردازیم و در برهه‌های گوناگون نقش ایالات متحده آمریکا در مناسباتش با ایران را تبیین کنیم. چنان‌که به نظر می‌رسد نقش آمریکا در سیر دگرگونیهای تاریخی ایران از تحکیم و تثبیت نقشی مثبت و همکاری‌جویانه به سمت نقشی تحکم‌آمیز و زورمدارانه پیش رفته است.

### پیشگفتار

روابط رسمی میان ایران و آمریکا از ۱۸۸۳م. آغاز شده است؛ هرچند پیش از آن نیز اقداماتی برای برقراری روابط میان دو کشور شده بود. نظر به اینکه امروزه، روابط میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران تنش‌آلود است و دو طرف در برابر دگرگونیهای خاورمیانه در برابر هم ایستاده‌اند و تلاشهای کوتاه‌مدت دو کشور برای عادی‌سازی روابط تاکنون روند موفقی نپیموده است، از این رهگذر می‌توان به تحلیل مناسب‌تری از رویدادهای پیش‌رو در روابط میان دو کشور دست یافت و چه بسا بتوان راهکارهایی نیز برای کاهش تنشها و رویارویی پیدا

**تصویر نخست: استواری جایگاه؛ چهره مثبت آمریکا****در دو بُعد مردمی و حاکمیتی**

نخستین تماسها: روابط رسمی میان ایران و آمریکا از ۱۸۸۳م. با تأسیس کنسولگری آمریکا در ایران آغاز شد. پیش از آن نیز در ۱۸۵۱م. امیرکبیر دست به اقداماتی برای برقراری رابطه میان دو کشور زده بود که به بسته شدن پیمان دوستی و کشتیرانی انجامید. برپایه این پیمان، دولت ایران به دولت آمریکا اجازه حضور رسمی در خلیج فارس و راهاندازی کنسولگری در بوشهر را می‌داد.<sup>۱</sup> با این همه، کمابیش تا ۲۵ سال بعد، چه بسا به سبب استیلای روس و انگلیس بر خاورمیانه و منافع اندک آمریکا در ایران، دو کشور نماینده سیاسی و کنسولی در پایتختهای یکدیگر نداشتند تا اینکه در ۱۱ ژوئن ۱۸۸۳م. چستر آرتور (Chester Alan Arthur)، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، ساموئل بنجامین (S.G.W Benjamin) را بعنوان کاردار به تهران فرستاد که بی‌درنگ در ایران بعنوان سفیر مقیم آمریکا شناخته شد. در ۱۸۸۸م. نیز حسینقلی خان معتمدالوزرا معروف به حاجی واشنگتن بعنوان سفیر ایران وارد آمریکا شد.<sup>۲</sup> از آن زمان تا نخستین سالهای پس از جنگ جهانی دوم، چهره آمریکا در ذهن ملت ایران مثبت و دوستانه بود، زیرا در آن دوران ایرانیان از فشارهای اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان به ستوه آمده بودند و به آمریکا همچون نیروی سومی در سیاست خارجی می‌نگریستند که می‌توانست میان آن دو کشور بزرگ و استعمارگر تا اندازه‌ای به سود منافع ایران رفتار کند.<sup>۳</sup> تضمین مفاد پیمان سه جانبه (میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان که متفقین را متعهد می‌ساخت پس از گذشت ۶ ماه از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران فراخوانند) از سوی روزولت، پرداخت کمک ۴۱/۵ میلیون دلاری به ایران، حضور دکتر میلسپو و مستشاران مالی آمریکا در ایران و... از مواردی بود که جا را برای آمریکا در مناسبات سیاسی ایران باز کرد.

**روابط دو کشور در دوران جنگ جهانی یکم: در**

جریان جنگ جهانی یکم بیطرفی دولت ایران نقض شد و روس و انگلیس زیانهای جبران‌ناپذیر به کشور ما وارد آوردند. در دوران این جنگ، کمابیش ۴۰ درصد از جمعیت ۲۰ میلیونی ایران بر اثر قحطی از میان رفته بود.<sup>۴</sup> با پیروزی انقلاب بلشویکی در ۱۹۱۷م. نیروهای ارتش روسیه که خود را تا دروازه‌های تهران رسانده بودند از مناطق شمالی و شمال باختری ایران پس نشستند و

• تا نخستین سالهای پس از جنگ جهانی دوم، چهره آمریکا در ذهن ملت ایران مثبت و دوستانه بود، زیرا در آن دوران ایرانیان از فشارهای اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان به ستوه آمده بودند و به آمریکا همچون نیروی سومی در سیاست خارجی می‌نگریستند که می‌توانست میان آن دو کشور بزرگ و استعمارگر تا اندازه‌ای به سود منافع ایران رفتار کند.

مسکو همه امتیازاتی را که روسیه تزاری از ایران گرفته بود باطل شناخت. از این رو تلاش آمریکا و انگلیس برای پر کردن این خلأ افزایش یافت. انگلیس کوشید تا هژمونی خود را بر منطقه گسترش دهد و به همین منظور مناطق جنوب باختری ایران را تصرف کرد. آمریکا نیز کوشید با شعار پشتیبانی از حقوق ملت‌های ضعیف، جایگاه مثبتی در ارزیابی‌های ایرانیان به دست آورد<sup>۵</sup> و برای کمک به مردمان جنگ‌زده ایران دست به تأسیس «کمیته اعانه ایران»<sup>۶</sup> زد.

**روابط دو کشور در دوران جنگ جهانی دوم:** در دوران جنگ جهانی دوم نیز با وجود اعلان بیطرفی از سوی دولت ایران، در سحرگاه ۲۵ اوت ۱۹۴۱م. / سوم شهریور ۱۳۲۰ش. نیروهای شوروی و انگلیس از شمال و جنوب و غرب به ایران تاختند. در پی آن، رضا شاه ناگزیر از کناره‌گیری شد و سلطنت را به ولیعهد سپرد. روزولت رئیس‌جمهوری آمریکا در پاسخ به درخواست کمک رضاشاه در برابر این تازش غافلگیرانه آشکارا درخواست وی را رد کرد، اما به گونه‌ای تلویحی مسئولیت مراقبت از اجرا شدن وعده‌های انگلیس و شوروی به ایران را پذیرفت.<sup>۸</sup> پیشنهاد امضا شدن پیمان سه‌جانبه میان ایران، شوروی و انگلستان مورد توافق آمریکا قرار گرفت و بر پایه آن متفقین متعهد شدند که پس از گذشت ۶ ماه از پایان جنگ، بی‌درنگ نیروهای خود را از ایران فراخوانند. بدین‌سان، در پرتو این پیمان، یکپارچگی سرزمینی ایران در برابر اتحاد جماهیر شوروی تضمین شد.

**تصویر دوم: تردید و بدبینی در نگاه مردمی؛****همپیمانی در بعد حاکمیتی**

در آغاز جنگ جهانی دوم، آمریکا ۱۶ درصد و انگلیس ۷۸ درصد از نفت خاورمیانه را در اختیار داشتند. گسترش جنگ همراه با افزایش مصرف نفت، کوشش شرکت‌های

ایران، این بوده است که با نشان دادن چهره‌ای همسو با خواسته‌های ایرانیان، گذشته از دست یافتن به پایگاهی استوار در ایران، بتواند از نفوذ و جایگاه اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان به سود خود بکاهد. سفیر بریتانیا در واشنگتن در این زمینه نوشته است: «آمریکایی‌ها درصدد اشغال جایگاه ما در خاورمیانه هستند. نفوذ آنها در خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم به‌طور گسترده‌ای زیاد شده است. آنها به‌عنوان یک قدرت نیرومند و دائمی در عربستان حضور پیدا کرده و بدنبال مسلط شدن بر ایران هستند.»<sup>۱۱</sup>

با کاهش قدرت و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا در ایران و گسترش دامنه روابط ایران و آمریکا، جایگاه بی‌رقیب آمریکا در منطقه استوار می‌شد. هشدار آمریکا به اتحاد جماهیر شوروی برای فراقخواندن نیروهایش از خاک ایران، تلاش در راه از میان بردن استیلای نفتی بریتانیا بر خاورمیانه و ایران، گسترش روابط با ایران با اعزام مستشاران نظامی و بستن قراردادهای گوناگون از همین رهگذر بوده است:

**الف - ۱) کاهش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در ایران:**  
دولت ایران در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۴، پس از تسلیم شدن آلمانها، در یادداشت‌هایی پیروزی در جنگ را به سه دولت متفق تبریک گفت و یادآوری کرد که برپایه فصل پنجم پیمان اتحاد سه‌جانبه و تأییدی که در کنفرانس تهران بر حفظ استقلال و حاکمیت ملی ایران شده بود، دیگر لزومی به ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و این نیروها باید هرچه زودتر خاک ایران را تخلیه کنند. با وجود این مسکو به بهانه‌های گوناگون به درخواست ایران پاسخ منفی می‌داد و همچنین در امور داخلی ایران، بویژه در آذربایجان و کردستان دخالت می‌کرد. از این‌رو ایران به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد و برای نخستین بار پس از اتحاد بزرگ در دوران جنگ، آمریکا در برابر اتحاد جماهیر شوروی موضعی سخت گرفت.<sup>۱۲</sup> در زمستان ۱۳۲۴ (ژانویه ۱۹۴۶م.) آمریکا در زمینه خروج نیروهای شوروی از خاک ایران به پشتیبانی از ایران در سازمان ملل پرداخت و همچنین سفارت آمریکا در مسکو یادداشت اعتراضی تسلیم حکومت شوروی کرد.<sup>۱۳</sup> سرانجام در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ (مه ۱۹۴۶م.) ارتش شوروی از ایران بیرون رفت.<sup>۱۴</sup>

**الف - ۲) شکستن استیلای نفتی انگلستان:** ماجرا از آنجا آغاز شد که نمایندگان شرکت هلندی - انگلیسی شل و دو شرکت آمریکایی استاندارد واکيوم و سینکلر

● در سحرگاه ۲۵ اوت ۱۹۴۱م. / سوم شهریور ۱۳۲۰ش. نیروهای شوروی و انگلیس از شمال و جنوب و غرب به ایران تاختند. روزولت رییس‌جمهوری آمریکا در پاسخ به درخواست کمک رضاشاه در برابر این تازش غافلگیرانه آشکارا درخواست وی را رد کرد، اما به گونه‌ی تلویحی مسئولیت مراقبت از اجرا شدن وعده‌های انگلیس و شوروی به ایران را پذیرفت. پیشنهاد امضا شدن پیمان سه‌جانبه میان ایران، شوروی و انگلستان مورد توافق آمریکا قرار گرفت و بر پایه آن متفقین متعهد شدند که پس از گذشت شش ماه از پایان جنگ، بی‌درنگ نیروهای خود را از ایران فراقخوانند. بدین‌سان، در پرتو این پیمان، یکپارچگی سرزمینی ایران در برابر اتحاد جماهیر شوروی تضمین شد.

آمریکایی را برای دستیابی بیشتر به نفت خاورمیانه، بویژه نفت ایران، افزون ساخت تا آنجا که در ۱۹۴۳م. رقابت آمریکا و انگلیس به‌صورت کشمکش درآمد.<sup>۱۵</sup> در آن دوران، ایران برای منافع آمریکا در خاورمیانه، همچون مانعی طبیعی در برابر نفوذ اتحاد جماهیر شوروی شمرده می‌شد و آمریکا می‌توانست با تقویت ایران، منافع نفتی خود را در عربستان حفظ کند.<sup>۱۶</sup> از این‌رو در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۶ دولت آمریکا - برعکس دوران پس از جنگ جهانی یکم که راه گوشه‌نشینی در پیش گرفته بود - این بار با آموزه ترومن، طرح مارشال و... به مداخله در امور بین‌الملل پرداخت و رفته‌رفته حضور و نفوذ خود را در ایران گسترش داد. پیگیری این سیاستها تا اندازه‌ی زیادی با مواضع پیشین ایالات متحده آمریکا و پشتیبانی آن از استقلال‌خواهی ایران ناسازگار بود و از این‌رو مایه اتخاذ مواضع دوسویه از سوی آمریکا می‌شد که از یکسو از استقلال‌خواهی ایران پشتیبانی می‌کرد و از سوی دیگر با گسترش نفوذ نفتی خود مانع از استقلال نفتی ایران می‌شد و بعنوان بازیگری تازه و مداخله‌جو ظاهر می‌گشت. آنچه به خوبی در رفتار ایالات متحده آمریکا در آن دوران پیداست، اینکه آمریکا توجه خود را بر تغییر مسیر منابع نفتی به‌سوی خود متمرکز کرده بود:

**الف) پشتیبانی از استقلال‌خواهی ایران:** به‌نظر می‌رسد که علت پشتیبانی آمریکا از استقلال‌خواهی

الف - ۳) بهبود مناسبات: آمریکا به سبب چالشهایی که با اتحاد جماهیر شوروی پیدا کرده بود و همچنین برای ایجاد جایگاهی استوار در ایران کوشید به پشتیبانی از ایران بپردازد. از همین رو در ۱۹۴۲ پنج گروه از مستشاران آمریکایی برای آموزش ارتش ایران، تجدید سازمان ژاندارمری، ساماندهی امور مربوط به خواربار و پلیس و نیز هیئتی به رهبری دکتر میلپو برای تنظیم امور مالی به ایران آمدند. موفق‌ترین آنها هیئتی بود به فرماندهی سرهنگ نورمن شوارتسکف از پلیس نیوجرسی که کار تجدید سازمان نیروهای ژاندارمری را برعهده داشت و در آشوبهای آذربایجان و کردستان در ۱۹۴۶ نیز سودمند افتاده بود.<sup>۲۰</sup> در ۱۹۵۰ موافقتنامه‌ای میان ایران و آمریکا به امضا رسید و به دنبال آن طبق اصل ۴ ترومن کمکهای گوناگون در حوزه‌های کشاورزی، بهداشتی و فرهنگی به ایران شد. با بسته شدن این پیمان، حجم صادرات آمریکا به ایران به ۲۰ برابر صادرات ایران به آمریکا رسید.<sup>۲۱</sup> در بهار ۱۳۲۹ (آوریل ۱۹۵۰) نیز پیمانی دوجانبه درباره کمکهای نظامی آمریکا به ایران امضا شد که سالانه به گونه میانگین ۲۳ میلیون دلار کمک نظامی به ایران را تا ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) پیش‌بینی می‌کرد. گذشته از آن در اکتبر همان سال پرداخت یک وام ۲۵ میلیون دلاری به ایران تصویب شد. آمریکا همچنین از درخواست ایران برای دریافت وام ده میلیون دلاری از بانک جهانی پشتیبانی کرد.<sup>۲۲</sup> بدین‌سان ایران در برابر انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، گرایش بیشتری به همکاری با آمریکا پیدا کرد.

ب) تغییر تاکتیک برای تأمین منافع نفتی: چنان‌که گفته شد، محور اصلی اقدامات آمریکا در آن دوران سلطه بر منابع نفتی و کنار زدن رقیبان در این زمینه بود. اما زمانی که با رفتار استقلال‌جویانه و سخت ایران در

خواستار گرفتن امتیاز استخراج نفت در مناطق جنوبی و جنوب باختری ایران شدند.<sup>۱۵</sup> در همان هنگام نمایندگان مسکو نیز در قالب هیئتی به ریاست کافتارادزه به ایران آمدند و تمایل خود را برای دسترسی به امتیاز نفت شمال اعلام کردند. با این وضع کابینه ایران در هشتم اکتبر ۱۹۴۴م. تصمیم گرفت که دادن همه امتیازات نفتی را به تعویق اندازد و در دوم دسامبر ۱۹۴۴م. مصدق طرحی به مجلس پیشنهاد کرد که برپایه آن اعطای هرگونه امتیاز نفتی بی‌تصویب مجلس ممنوع می‌بود.<sup>۱۶</sup> پس از تصویب ماده قانونی منع مذاکره و امضای قرارداد درباره امتیاز نفت، دست شرکت‌های نفتی قدرتهای بزرگ در این زمینه کوتاه شد. در این میان، آمریکا که می‌کوشید جای پای تازه‌ای در منطقه برای خود باز کند، موضع دوگانه‌ای گرفت: اقدام مجلس را بعنوان «تصمیمی منطقی» ارزیابی و تأیید کرد؛ همچنین جرج آلن سفیر آمریکا در تهران در ۲۰ شهریور ۱۳۲۶ پشتیبانی رسمی خود را از حق مسلم ایرانیان در بهره‌برداری از منابع زیرزمینی خود، بی‌دخالیت بیگانگان، اعلام کرده بود. تورنبرگ و مک‌گی نیز در دیدارهایی که در ایران داشتند بر این حق پافشاری می‌کردند. هرچند این پشتیبانی آشکارا و رسمی از سوی اعضای دولت ایالات متحده ابراز نمی‌شد، اما دولت آمریکا مخالفتی هم با این مسأله نمی‌کرد تا آنکه در مجلس شانزدهم، کمیسیون نفت برای بررسی قرارداد نفتی میان ایران و انگلیس موسوم به «قرارداد الحاقی» تشکیل شد و مجلس شورای ملی بی‌درنگ و بی‌توجه به اعتراضات دولت انگلستان، در ۱۷ اسفند و سپس مجلس سنا در ۲۹ اسفند، ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را به تصویب رساندند.<sup>۱۷</sup> در این میان نباید از نقش آیت‌الله کاشانی در پیگیری موضوع و پشتیبانی از دکتر مصدق چشم‌پوشی کرد.<sup>۱۸</sup> در ماجرای ملی شدن صنعت نفت ایران، زمانی که انتظار می‌رفت جنگی تمام عیار میان ایران و انگلیس رخ دهد، نخست‌وزیر انگلیس با توجه به مهلت یک هفته‌ای دکتر مصدق به کارکنان شرکت نفت انگلیس برای رفتن از خاک ایران، از ترومن، رئیس‌جمهوری آمریکا کمک خواست اما با این پاسخ روشن روبه‌رو شد که «دولت ایالات متحده نمی‌تواند از هر اقدامی که متضمن استفاده از قوه قهریه برای حفظ کارمندان انگلیسی در آبادان باشد پشتیبانی کند»<sup>۱۹</sup> بدین‌سان، پشتیبانی آمریکا از ملی شدن صنعت نفت مانع از جنگ احتمالی در خاورمیانه شد و چهره مثبتی از آن کشور در میان ایرانیان پدید آورد. در آن روزها آمریکا یگانه قدرت فعال در ایران بود.

● در ماجرای ملی شدن صنعت نفت ایران، زمانی که انتظار می‌رفت جنگی تمام عیار میان ایران و انگلیس رخ دهد، نخست‌وزیر انگلیس با توجه به مهلت یک هفته‌ای دکتر مصدق به کارکنان شرکت نفت انگلیس برای رفتن از خاک ایران، از ترومن، رئیس‌جمهوری آمریکا کمک خواست اما با این پاسخ روشن روبه‌رو شد که «دولت ایالات متحده نمی‌تواند از هر اقدامی که متضمن استفاده از قوه قهریه برای حفظ کارمندان انگلیسی در آبادان باشد پشتیبانی کند»

تغییر یافت. با این حال آمریکا بر سر تثبیت جایگاه بی رقیب خود در منطقه مصمم بود و پس از ۲۸ امرداد ۱۳۳۲ در مدت سه هفته ۶۸ میلیون دلار بعنوان کمک اضطراری در اختیار ایران گذاشت و در یک دهه پس از آن ۱/۲ میلیارد دلار به ایران کمک کرد.<sup>۲۴</sup> رفته رفته نفوذ انگلستان و قدرت آمریکا در ایران افزایش می‌یافت. در اوت ۱۹۵۴ قراردادی میان دولت ایران و کنسرسیومی از شرکتهای نفتی بسته شد که در آن با وجود اذعان به ملی شدن نفت ایران و برخلاف قانون ملی شدن صنعت نفت، در عمل اکتشاف، استخراج و فروش نفت به دست شرکتهای بیگانه سپرده می‌شد و ایران کماکان به دریافت حق الامتیاز بسنده می‌کرد. برپایه این قرارداد حق الامتیاز ایران معادل ۵۰ درصد برآورد شده بود و از ۵۰ درصد باقیمانده درآمد نفتی، شرکتهای عضو کنسرسیوم بدین شکل سهم می‌بردند: شرکت نفت بریتانیا (British Petroleum) ۴۰ درصد، شرکت نفت هلندی - انگلیسی (Royal Dutch Shell) ۱۴ درصد، شرکتهای نفتی آمریکایی بر سر هم ۴۰ درصد و شرکت نفت فرانسوی (Francaise des Petroles) ۶ درصد.<sup>۲۵</sup>

ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهوری آمریکا در ۱۸ آذر ۱۳۳۲ به ایران آمد و پس از این سفر، رفته رفته شاه در نقش بزرگترین همپیمان آمریکا در خاورمیانه ظاهر شد و ایران با پیوستن به پیمان بغداد، ستو، تجهیز نظامی خود با کمک آمریکا و... به قدرت بزرگ منطقه تبدیل شد. با وجود نزدیکی شاه با زمامداران آمریکا و گسترش روابط دو دولت، گروههای گوناگونی از ایرانیان - بویژه اسلام‌گرایان - به مخالفت با سیاستهای غرب‌گرایانه شاه برخاستند و به مبارزات مردمی چندی دست زدند.

#### تصویر سوم: افزایش بی‌اعتمادی در ابعاد مردمی و حاکمیتی

ایالات متحده آمریکا که جایگاه نیرومندی در معادلات منطقه‌ای خاورمیانه به دست آورده بود، برای نگهداشت این جایگاه، سیاستهای برتری‌جویانه را پی می‌گرفت که نه تنها چهره مخدوش شده آن کشور را بهبود نمی‌بخشید بلکه مایه چالشهای دیگری می‌شد و پیوسته بر بی‌اعتمادی میان دو کشور می‌افزود.

چالش علنی با آمریکا: در اواخر ۱۳۴۱ آیت‌الله خمینی (ره) در اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی سخنان مهمی ایراد کردند و برای نخستین بار با تندى شاه را مورد خطاب قرار دادند و سپس در پیامی

زمینه‌های نفتی روبه‌رو شد، بهتر دید روش دیگری در پیش گیرد و برای بهتر برآوردن منافع خود در خاورمیانه با رقیبان توافق کند. پس از ملی شدن صنعت نفت ایران، از آن‌رو که انحصار نفتی از دست انگلیس خارج شده بود، آمریکا نخست کوشید نقش میانجی را میان ایران و انگلیس بازی کند ولی خود دست برتر را در این زمینه داشته باشد؛ از این‌رو پیشنهادهای گوناگونی به کابینه دکتر مصدق داد که همگی آنها قاطعانه رد شد و دولت ایران بر منافع ملی پافشاری کرد. در آن هنگام انگلستان کوشید به آمریکا نزدیکتر شود و آمریکا را به دکتر مصدق بدبین کند. با روی کار آمدن جمهوریخواهان در آمریکا و نشستن آیزنهاور به جای ترومن (ژانویه ۱۹۵۳)، راه برای انگلیسیها هموارتر شد و آنها توانستند آمریکا را از دامنه‌دار شدن نفوذ کمونیسم در ایران در صورت ادامه یافتن حکومت دکتر مصدق بیمناک کنند و در جبهه داخلی نیز به اختلافها میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، بعنوان رهبران نهضت ملی دامن زدند. به هر روی رفته رفته سیاستهای انگلیس و آمریکا همسو شد و سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس با طرح چکمه که به آژاکس<sup>۲۳</sup> تغییر نام داده بود، دست به کار شدند و سرنگونی حکومت دکتر مصدق در ۲۸ امرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) رقم خورد. ۶۰ سال پس از آن در امرداد ۱۳۹۲ «سیا» اسنادی را از طبقه‌بندی محرمانه درآورد و گوشه‌هایی از ماجرا آشکار شد.

با برکناری مصدق، چهره مثبت ایالات متحده آمریکا در چشم بسیاری از ایرانیان خدشه‌دار شد و از آن پس آنان به اقدامات آمریکا به دیده تردید و بدبینی نگرستند و آمریکا را عامل ناکامیهای خود شمردند. بدین‌سان، سیمای مثبت آمریکا در ذهن بسیاری از ایرانیان، از نیروی سومی در برابر امپریالیسم اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، به چهره‌ای منفی و هم‌تراز دیگر امپریالیستها

● با روی کار آمدن جمهوریخواهان در آمریکا و نشستن آیزنهاور به جای ترومن، راه برای انگلیسیها هموارتر شد و آنها توانستند آمریکا را از دامنه‌دار شدن خطر نفوذ کمونیسم در ایران در صورت ادامه یافتن حکومت دکتر مصدق بیمناک کنند و در جبهه داخلی نیز به اختلافها میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، بعنوان رهبران نهضت ملی دامن زدند. به هر روی رفته رفته سیاستهای انگلیس و آمریکا همسو شد.

● با برکناری مصدق، چهره مثبت ایالات متحده آمریکا در چشم بسیاری از ایرانیان خدشه‌دار شد و از آن پس آنان به اقدامات آمریکا به دیده تردید و بدبینی نگرستند و آمریکا را عامل ناکامیهای خود شمردند. بدین‌سان، سیمای مثبت آمریکا در ذهن بسیاری از ایرانیان، از نیروی سومی در برابر امپریالیسم اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، به چهره‌ای منفی و هم‌تراز دیگر امپریالیستها تغییر یافت.

است و ایرانیان انسان‌های عمل‌گرایی هستند.<sup>۳۲</sup> اما در حالی که روند عادی‌سازی روابط به سمت اقدامات اعتمادساز پیش می‌رفت، انتقادات آمریکا از کارکرد دادگاههای انقلاب سبب بحرانی شدن دوباره روابط شد. ناس در دیدار با ابراهیم یزدی<sup>۳۳</sup>، درباره دادگاههای انقلاب ابراز نگرانی کرده و خواستار توقف محاکمات و اعدامهای انقلابی شده بود. همچنین، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت امور خارجه آمریکا از صدور حکم اعدام برای شاه و اعضای خانواده‌اش ابراز تأسف و اعدامها را سرزنش کرده بود. صدور قطعنامه‌ای در سنا به تاریخ ۱۷ مه ۱۹۷۹ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)، از سوی وزارت امور خارجه ایران دخالت آشکار در امور داخلی کشور دانسته شد و مایه تظاهرات ضد آمریکایی با شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر کاتر» در سوم و چهارم خرداد در تهران شد.<sup>۳۴</sup>

**اشغال سفارت آمریکا:** سپس در روز یکم آبان ۱۳۵۸ شاه برای معاینات پزشکی وارد نیویورک شد و کمتر از دو هفته پس از ورود وی به خاک آمریکا، گروهی از دانشجویان دانشگاهها سفارت آن کشور در تهران را گرفتند. با این رویداد، در بدنه حاکمیتی ایران جریانی تقویت شد که برای سالها نسبت به آمریکا نگاهی سخت بدبینانه داشت. بدین‌سان، فضای انقلابی ایران و اقدامات آمریکا سبب شد که روابط دو کشور چه در بُعد حاکمیتی و چه در بُعد مردمی همواره با بی‌اعتمادی و بدگمانی همراه باشد. از آن رو که در مرداد ۱۳۳۲ شاه از ایران رفته و پس از برکنار شدن مصدق به ایران باز گشته بود، حضور او در آمریکا، گمان نوعی دسیسه‌چینی برای بازگشت دوباره وی به ایران را به همراه داشت.<sup>۳۵</sup> روابط بحرانی ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب با رفتن شاه به آمریکا بدتر شد و روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، گروهی

عید نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند.<sup>۳۶</sup> در پی این جریان، واقعه مدرسه فیضیه و حوادث دیگری روی داد که به بازداشت ایشان انجامید. با انتشار خبر این دستگیری، قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به راه افتاد. دولت کارتر نیز با آنکه شعار لزوم رعایت حقوق بشر در کشورها را سر داده بود، در رابطه با ایران برعکس این شعار رفتار کرد. ارزش جنگ‌افزارهای تحویل داده شده به ایران در زمان او بیش از دوران فورد و نیکسون بود.<sup>۳۷</sup> این مواضع دوگانه آمریکا، بی‌اعتمادی ایرانیان به آمریکا را بیشتر کرد و چه بسا حرکت انقلابی ملت ایران را سرعت بخشید. به نظر می‌رسد که آمریکاییان از اوضاع ایران شناخت چندانی نداشته‌اند، زیرا کارتر در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ (۱۰ دی ۱۳۵۶) که به ایران آمد، این کشور را «جزیره ثبات در یکی از طوفانی‌ترین مناطق دنیا» معرفی کرد<sup>۳۸</sup> و سبب نیز در گزارش اوت ۱۹۷۸ (امرداد ۱۳۵۷) وضع ایران را انقلابی یا حتا پیشانقلابی ارزیابی نکرده بود.<sup>۳۹</sup> درست نه روز پس از سخنرانی کارتر در ایران، در قم در واکنش به مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» که در ۱۷ دی در روزنامه اطلاعات چاپ شده بود، تظاهراتی به راه افتاد که دامنه آن گسترش یافت و سلسله‌وار تا پیروزی انقلاب پیش رفت. با تغییر رژیم در ایران، بحرانی جدی در روابط ایران و آمریکا پدید آمد، با وجود این دولت آمریکا ناچار بود برای حفظ منافع خود روابطی هرچند ضعیف با دولت تازه برقرار و به کمترین‌ها بسنده کند. از همین‌رو، تنها پنج روز پس از پیروزی انقلاب، در ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری آمریکا اقدام به شناسایی دولت موقت کرد.

**روابط ایران و آمریکا در دوران دولت موقت:** آمریکا امیدوار بود که با احساسات ضد کمونیستی روحانیان، جلوگیری از نفوذ کمونیسم در منطقه بیش از گذشته صورت گیرد.<sup>۴۰</sup> از این‌رو کوشید با پشتیبانی از گروههای میانه‌رو و ناسیونالیست در درون دولت موقت که بیشترشان دانش‌آموخته در غرب بودند، به‌گونه‌ای سررشته کارها را در جهت تأمین منافع خود به‌دست بگیرد؛<sup>۴۱</sup> از سویی، اعضای دولت موقت نیز به برقراری روابط عادی با آمریکا خوشبین بودند. چارلز ناس، کاردار موقت سفارت آمریکا، در تلگرامی که آوریل ۱۹۷۹ به وزارت امور خارجه آمریکا فرستاد، گفت که ابراهیم یزدی آمادگی دولت موقت را برای عادی کردن روابط با آمریکا اعلام داشته و گفته است «گذشته گذشته

۱) قطع روابط دیپلماتیک: اشغال سفارت آمریکا در تهران، اعتبار سیاسی آمریکا را خدشه‌دار کرده و این حرکت در افکار عمومی نوعی بی‌احترامی به آمریکا شمرده شده بود. از این‌رو دولت آمریکا برای گشودن معضل، دست به کارهای گوناگون زد. در گام نخست، کارتر «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» را برای دیدار با امام(ره) راهی ایران کرد.<sup>۳۹</sup> اما ایشان در بیانیه‌ای اعلام کردند که با توجه به نگهداری شاه توسط دولت آمریکا، هیچ‌یک از مقامات مسئول حق دیدار با آنان را ندارد.<sup>۴۰</sup> با انتشار این خبر هیأت آمریکایی که در ترکیه آماده آمدن به ایران بود، با دست خالی به آمریکا بازگشت. در گام دوم، آمریکا کوشید با فرستادن نامدارانی بعنوان میانجی، نظر مساعد جمهوری اسلامی را جلب کند. فرستاده پاپ، یاسر عرفات، رهبران الجزایر و کورت‌والدهایم از کسانی بودند که کوشیدند میانجیگری کنند، اما همگی ناکام ماندند. در گام سوم، دولت کارتر در کنار اقدامات دیپلماتیک به فشارهای اقتصادی رو کرد و در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ۱۳۵۸) دستور خودداری از خرید نفت از ایران را داد که آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا نیز در این مورد با آمریکا همراه شدند. سپس در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ دستور مسدود شدن همه داراییهای رسمی ایران در بانکهای آمریکا را که کمابیش ۱۲ میلیارد دلار بود، صادر کرد. این تحریم، بزرگترین تحریم در تاریخ تحریمهای وضع شده از سوی آمریکا بود.<sup>۴۱</sup> این فرمان اجرایی جیمی کارتر را رؤسای جمهوری آمریکا هر سال تمدید کرده‌اند و به نام قانون «وضع اضطراری» آمریکا بر ضد ایران شناخته می‌شود. در گام چهارم، ایالات متحده آمریکا در کنار دیگر روشها، از سازمانها و مجامع بین‌المللی برای محکوم کردن اقدام ایران بهره گرفت. در این زمینه، شورای امنیت سازمان ملل متحد در چهارم دسامبر ۱۹۷۹، قطعنامه ۴۵۷ را با رأی مثبت ۱۵ عضو خود به تصویب رساند.<sup>۴۲</sup> همچنین در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ آمریکا دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری داد و خواستار تصمیم قانونی دیوان شد. در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ دیوان لاهه یک قرار موقت صادر کرد و از ایران خواست ضمن آزادی گروگانها، بی‌درنگ به اشغال محل سفارت پایان دهد. سرانجام دیوان در ۲۴ مه ۱۹۸۰ با صدور رأی نهایی داوری ایران را به آزادی فوری گروگانها ملزم و به پرداخت غرامت به آمریکا محکوم کرد.<sup>۴۳</sup> در پیش‌نویس قطعنامه ۴۶۱ شورای امنیت در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ هم با در نظر گرفتن مجازاتهای اقتصادی در مورد ایران برپایه مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد، تا هفتم

● پس از جنگ جهانی دوم و با افزایش یافتن اهمیت منابع نفتی خاورمیانه، رقابت آمریکا با انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی وارد مرحله دیگری شد. در آن دوران، اقدامات آمریکا برای شکستن استیلای اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا بر ایران، همسو با خواست و رضایت ایرانیان بود، اما با رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دست داشتن آمریکا در آن، نوعی بدگمانی در بدنه اجتماعی ایران نسبت به آمریکا پدید آمد، هرچند پس از آن رویداد گونه‌ای همپیمانی استراتژیک میان دولت‌های ایران و آمریکا شکل گرفت و کمابیش برای ۱۵ سال پابرجا ماند.

از دانشجویان دانشگاه‌های تهران که پس از چندی «دانشجویان پیرو خط امام» نامیده شدند، سفارت آمریکا در تهران را در کمتر از سه ساعت تسخیر کردند و ۶۶ تن<sup>۳۶</sup> را به گروگان گرفتند.<sup>۳۷</sup> فردای آن روز، امام(ره) ضمن تأیید اقدام دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» خواندند<sup>۳۸</sup> و به دنبال آن مهندس بازرگان، رئیس دولت موقت، از کار کناره گرفت. بحران گروگان‌گیری ۴۴ روز به درازا کشید و چهره قدرتمند آمریکا از دیدگاه سیاسی را خدشه‌دار کرد.

### گسترش فاصله‌ها

بر سرهم، می‌توان چنین برداشت کرد که پس از اشغال سفارت آمریکا، جامعه آمریکا نسبت به ایران نگاهی منفی پیدا کرد و با به درازا کشیدن بحران گروگان‌گیری و بی‌اثر ماندن تلاشهای دولت آمریکا، این نگاه منفی کمابیش به گونه‌ای کینه‌توزی تبدیل شد و برخی رویدادهای دیگر نیز بدبینی آمریکاییان به ایران را افزایش داد. حکومت آمریکا نیز همخوان با همین نگاه، در برابر رفتار کرد. در ایران نیز دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران، پشتیبانی از شاه و مقابله‌اش با انقلاب سبب شده بود که به آمریکا به دیده دشمنی و بیزاری نگریسته شود. پس از پایان گرفتن بحران گروگان‌گیری نیز پیوسته خلأ بی‌اعتمادی و فاصله میان دو کشور گسترده‌تر شد، تا جایی که حتا در برهه‌هایی که زمینه تا اندازه‌ای برای کم شدن فاصله فراهم می‌شد این بدبینی و بی‌اعتمادی اثر خود را می‌گذاشت. در زیر، برای نمونه به چند رویداد اشاره می‌شود:

برقراری نوعی موازنه میان دو طرف، جنگ را به گونه فرسایشی تا جایی هدایت کند که بی‌پیروزی یکی بر دیگری، ضمن تضعیف حساب شده هر یک از آنها<sup>۴۹</sup> این دو کشور را به برقراری مجدد رابطه با آمریکا وادار کند تا امنیت جریان نفت به سوی غرب تضمین شود. ولی پس از آنکه ابتکار عمل به دست ایران افتاد و ایران توانست ضمن آزادسازی مناطق از دست رفته خود تا بصره و سلیمانیه عراق پیشروی کند، آمریکا مصمم شد به جنگ پایان دهد. از این رو به ایران فشار آورد تا قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را بپذیرد. در این مرحله ایالات متحده آمریکا به سود عراق وارد جنگ با ایران شد. از نیمه اردیبهشت ۱۳۶۶ کشتیهای جنگی آمریکا برای ایجاد امنیت کشتیرانی وارد منطقه خلیج فارس شدند و درگیری در خلیج فارس را شدت بخشیدند. آمریکا با حمله مستقیم به سکوها نفتی ایران، کشتیها و ناوچههای ایرانی و همچنین حمله به هواپیمای مسافربر ایران نشان داد که در پایان دادن به جنگ به هر قیمت مصمم است. واینبرگر، وزیر دفاع آمریکا در همان دوران آشکارا گفت: «آمریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ با عراق پیروز شود... ما کاملاً آماده‌ایم برای ادامه رفت‌وآمد و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، هر آنچه را لازم است انجام دهیم.»<sup>۵۰</sup> گرچه آغازکننده جنگ نفتکشها در خلیج فارس عراق بود، اما در برخوردهای آمریکا به بهانه تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، این کشور ایران بود که پیوسته متهم می‌شد و اقدامات تلافی‌جویانه بر ضد آن صورت می‌گرفت.<sup>۵۱</sup>

۴) انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت: به دنبال امضای توافقنامه امنیتی میان لبنان و اسرائیل در ۱۷ مه ۱۹۸۳، اشغال جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل به

● پس از شکست آمریکا در عملیات طبس، کودتای نوژه و تشویق پاره‌ای تحرکات تجزیه‌طلبانه، تحمیل یک جنگ تمام‌عیار به ایران در شهریور ۱۳۵۹ در دستور کار قرار گرفت و چراغ سبز برای عراق روشن شد که به هشت سال جنگ خونبار انجامید. ایالات متحده آمریکا در آغاز جنگ با توجه به پیشروی نیروهای عراقی، در برابر این جنگ اعلام بیطرفی کرد، هرچند در عمل آشکار شد که آمریکا کمکهایی در زمینه‌های اطلاعاتی و نظامی به عراق می‌کرده است.<sup>۴۸</sup> آمریکا در جریان جنگ می‌کوشید با

ژانویه ۱۹۸۰ به ایران مهلت داده می‌شد که گروگانهای آمریکایی را آزاد کند، ولی این قطعنامه با رأی مخالف اتحاد جماهیر شوروی و آلمان شرقی روبه رو و اجرایی نشد. کارتر در گام پنجم در هفتم آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردین ۱۳۵۹) قطع روابط سیاسی و بازرگانی آمریکا با ایران را اعلام کرد و در پی آن دستور داد دیپلماتها و کارمندان کنسولی ایران خاک آمریکا را ترک کنند. پس از قطع یک‌جانبه روابط سیاسی از سوی آمریکا، کارتر در همان روز (هفتم آوریل)، اعضای شورای امنیت ملی آمریکا را به نشستی فوری فراخواند و دستور اقدامی جدی برای آزادی گروگانها را ابلاغ کرد. بدین‌سان، ۱۷ روز پس از قطع روابط سیاسی و بازرگانی با ایران، یعنی در ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ کاخ سفید در گام ششم برای آزادی گروگانها به اقدام نظامی دست زد. قرار بود یک گروه ۸۲ نفری از لشکر ویژه هوای ارتش، موسوم به «دلنا» به فرماندهی سرهنگ «چارلی بکویت»<sup>۴۹</sup> که پنج ماه در صحرای «آریزونا» آموزش دیده بودند، با چند هواپیما و با حمله‌ای ناگهانی به ایران، گروگانهای آمریکایی را آزاد کنند و با خود ببرند.<sup>۵۰</sup> این عملیات، موسوم به عملیات پنجه عقاب (Operation Eagle Claw) در همان نخستین ساعات، زیر سایه طوفان شن در صحرای طبس ناکام ماند.

۲) کودتای نوژه (شبکه نقاب): این کودتا با همکاری سیا، رژیم بعثی عراق، برخی کشورهای کناره جنوبی خلیج فارس و شماری از نظامیان مخالف انقلاب طراحی شد. این طرح، پیش از دستیابی به هر هدفی در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ (۱۱ ژوئیه ۱۹۸۰) کشف شد و ناکام ماند. طرح‌ریزی این کودتا پس از ماجرای صحرای طبس و نقش جدی آمریکا در آن، دشمنی ایرانیان با آمریکا را بیشتر کرد.

۳) تجاوز عراق به ایران: پس از شکست آمریکا در عملیات طبس، کودتای نوژه و تشویق پاره‌ای تحرکات تجزیه‌طلبانه، تحمیل یک جنگ تمام‌عیار به ایران در شهریور ۱۳۵۹ در دستور کار قرار گرفت و چراغ سبز برای عراق روشن شد<sup>۴۶</sup> که به هشت سال جنگ خونبار انجامید.<sup>۴۷</sup> ایالات متحده آمریکا در آغاز جنگ با توجه به پیشروی نیروهای عراقی، در برابر این جنگ اعلام بیطرفی کرد، هرچند در عمل آشکار شد که آمریکا کمکهایی در زمینه‌های اطلاعاتی و نظامی به عراق می‌کرده است.<sup>۴۸</sup> آمریکا در جریان جنگ می‌کوشید با



## جدول (۱) مهمترین درگیری‌های نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس

ردیف	موضوع	کنشگر	زمینه‌ها و هدفها	منطقه	تاریخ
۱	برخورد بریجنون به مین	ایران	اسکورت نفتکشهای کویتی	حوالی جزیره فارس	۶۶/۵/۲
۲	حمله آمریکا به کشتی ایران اجر	آمریکا	برخورد بریجنون به مین	بین بحرین و ایران	۶۶/۶/۳۰
۳	درگیری قایقهای تندرو و بالگردهای آمریکا	ایران - آمریکا	غرق ایران اجر	حوالی جزیره فارسی	۶۶/۷/۱۶
۴	حمله موشکی به کشتی آمریکایی ساتگاری در الاحمدی	ایران	انهدام قایقهای تندرو	بندر الاحمدی	۶۶/۷/۲۳
۵	حمله موشکی به کشتی کویتی تحت پرچم آمریکا به نام سی ایل سیتی	ایران	انهدام قایقهای تندرو	بندر الاحمدی	۶۶/۷/۲۴
۶	حمله به سکوی نفتی رشادت	آمریکا	حمله موشکی به کشتی کویتی تحت پرچم آمریکا	غرب جزیره سیری	۶۶/۷/۲۷
۷	حمله به پایانه سی ایلند بندر الاحمدی	ایران	کشتی آمریکایی در بندر الاحمدی	شمال شرقی بحرین	۶۶/۷/۳۰
۸	برخورد ناوچه آمریکایی ساموئل رابرتز به مین	ایران	حمله به سکوی رشادت	غرب جزیره سیری	۶۷/۱/۲۵
۹	حمله به سکوی رشادت، سلمان، ناوچه سهند، جوشن و سبلان	آمریکا - ایران	حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس	خلیج فارس	۶۷/۱/۲۹
۱۰	حمله به کشتی تدارکاتی آمریکا و نفتکش انگلستان	ایران	برخورد ناوچه رابرتز به مین	خلیج فارس	۶۷/۱/۲۹
۱۱	حمله به سکوی مبارک و حمله موشکی به کویت	ایران	حمله به سکوها و ناوچه‌های ایران	بندر الاحمدی و سواحل امارات	۶۷/۱/۳۰
۱۲	حمله به هواپیمای ایرباس	آمریکا	حمله به سکوها و ناوچه‌های ایران	سواحل امارات آسمان خلیج فارس	۶۷/۴/۱۲

محسوس بود، سبب شد تا حزب... سخت با غرب درگیر شود. پس از چند انفجار و درگیری در مواضع غربیها، آمریکا، انگلیس و ایتالیا ناگزیر شدند نیروهای خود را از لبنان خارج کنند. یکی از این انفجارها در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ (اول آبان ۱۳۶۲) در بیروت رخ داد که بر اثر آن ۲۴۱ نظامی آمریکایی و ۵۸ نظامی فرانسوی جان باختند. هرچند سازمان جهاد اسلامی مسئولیت بمب‌گذاری را برعهده گرفته بود، اما انگشت اتهام به سوی ایران دراز شد؛ هرچند ایران همواره هرگونه دست داشتن در این بمب‌گذاری را تکذیب کرده است.

(۵) ماجرای سفر مک فارلین (ایران - کنترا): آمریکا در اقدامی حمایتی، عراق را در ۲۷ فوریه ۱۹۸۲ (۸ اسفند ۱۳۶۰) از فهرست کشورهای پشتیبان تروریسم درآورد و راه دیگر کشورها را برای فروش جنگ‌افزار به عراق هموار کرد. سپس در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۴ (۳ بهمن ۱۳۶۳)

رسمیت شناخته شده بود و به عبارتی برنامه اسرائیل برای ضمیمه کردن جنوب لبنان به خاک خود مشروعیت پیدا می‌کرد. این رویداد که در آن نقش و حضور آمریکا بسیار

● پس از آنکه ابتکار عمل در جنگ به دست ایران افتاد و نیروهای ایرانی توانستند گذشته از آزادسازی مناطق از دست رفته خود تا بصره و سلیمانیه عراق پیشروی کنند، آمریکا مصمم شد به جنگ پایان دهد. آمریکا با حمله مستقیم به سکوها و نفتی ایران، کشتی‌ها و ناوچه‌های ایرانی و همچنین حمله به هواپیمای مسافربر ایران نشان داد که در پایان دادن به جنگ به هر قیمت مصمم است. واینبرگر، وزیر دفاع آمریکا در همان دوران آشکارا گفت: «آمریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ با عراق پیروز شود.»

● در دوازدهم تیر ۱۳۶۷، با شلیک موشک از ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران ایر که از بندرعباس به مقصد دبی درحال پرواز بود همه ۲۹۰ سرنشین هواپیما کشته شدند. ریگان با ابراز تأسف از این پیشامد، اقدام فرمانده ناو را تدافعی خواند و چندی پس از آن به فرمانده ناو نشان «قهرمان» داده شد. چنین پنداشته می‌شد که این کار مانند انداختن بمب اتمی بر ناکازاکی و هیروشیما، هر چند زشت است، ولی به جنگ پایان می‌دهد. حمله به هواپیمای ایرباس، خشم ایرانیان نسبت به آمریکا را بیش از پیش کرد.

سبب «تنش‌زدایی»، به علت تثبیت شدن حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، چالش‌هایی میان ایران و آمریکا ایجاد شد که ناشی از همان بی‌اعتمادی بود. در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سپس پیش آمدن جنگ خلیج فارس (دوم اوت ۱۹۹۰-۲۸ فوریه ۱۹۹۱) (مرداد - اسفند ۱۳۶۹) آمریکا تصمیم گرفت به سبب اهمیت بی‌چون و چرای امنیت صدور نفت از منطقه خلیج فارس، به ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای کناره جنوبی خلیج فارس دست زند و سیستم امنیتی تازه‌ای پی‌ریزی و حضور همیشگی خود را در منطقه تثبیت کند. برعکس آمریکا، ایران معتقد به سیستم امنیت جمعی بود و حضور آمریکا را خطری برای امنیت منطقه می‌دانست. در همین راستا و همچنین به سبب اختلاف نظر ایران و آمریکا بر سر روند صلح خاورمیانه<sup>۶۰</sup>، تنش میان دو کشور به سمتی پیش رفت که سرانجام برپایه آموزه مهار دوجانبه، ایران در انزوا قرار گرفت. استراتژی مهار کردن ایران به مدت ۱۵ سال، از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۵ در صدر برنامه‌های آمریکا بر ضد ایران قرار داشت.<sup>۶۱</sup> پس از آن نیز تاکنون آمریکاییان انواع تهمت‌ها را در زمینه‌های گوناگون از تلاش برای دستیابی به جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی گرفته تا پایمال کردن حقوق بشر و پشتیبانی از تروریسم و... به جمهوری اسلامی زده‌اند. گفتنی است که در متون سند راهبرد امنیت ملی آمریکا میان سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۴، هر بار<sup>۶۲</sup> بطور مشخص بر اتهاماتی همچون پشتیبانی از تروریسم، داشتن جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی و گاهی وضع بد حقوق بشر<sup>۶۳</sup> در ایران انگشت گذاشته شده است. این وضع تا جایی پیش رفت که چندی پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایران بعنوان محور شرارت معرفی

ایران را حامی تروریسم بین‌المللی معرفی کرد تا مانع فروش جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی به ایران شود.<sup>۶۴</sup> در همان هنگام چند گروه‌گنجگیری توسط نیروهای حزب... و سازمان جهاد اسلامی صورت گرفت که بی‌نتیجه بودن تلاشها در آزادسازی گروگانها، نظر آمریکا را به ایران جلب کرد. به‌همین منظور آمریکاییها کوشیدند با فروش جنگ‌افزار به ایران که در آن زمان نیاز مبرم به آن داشت، زمینه آزادسازی گروگانها را فراهم کنند. از این‌رو در ۲۵ مه ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) هیأتی به سرپرستی مک‌فارلین (مشاور امنیتی ریگان) برای گفت‌وگو با ایران وارد تهران شد. هدف از این مأموریت پیشنهاد ارسال جنگ‌افزار و مهمات به ایران بود تا روابط میان دو کشور بهبود یابد و طرف ایرانی برای آزادی گروگانهای آمریکایی که نزد عوامل حزب... بودند همکاری کند. قرار بود درآمد فروش این جنگ‌افزارها نیز در اختیار شورشیان کنترا در نیکاراگوئه قرار گیرد که کنگره آمریکا تأمین مالی آنها را ممنوع کرده بود. از این‌رو، این برنامه به ایران - کنترا معروف شد.<sup>۶۵</sup> هیأت آمریکایی نتوانست با هیچ‌یک از مقامات بلندپایه نظام دیدار کند و ناگزیر شد بی‌کمترین دستاورد از ایران برود. این ماجرا پنج ماه بعد در سوم نوامبر ۱۹۸۶ (۱۳ آبان ۱۳۶۵) در نشریه لبنانی الشراع<sup>۶۶</sup> فاش شد و نقض قانون فدرال آمریکا در ممنوعیت کمک به کتراها، رسوایی بزرگی برای دولت ریگان به بار آورد<sup>۶۷</sup> که به گمان برخی بزرگترین رسوایی در تاریخ آمریکا پس از ماجرای واترگیت بود.<sup>۶۸</sup>

#### ۶) سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران:

در دوازدهم تیر ۱۳۶۷، با شلیک موشک از ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران ایر که از بندرعباس به مقصد دبی درحال پرواز بود همه ۲۹۰ سرنشین هواپیما کشته شدند. ریگان با ابراز تأسف از این پیشامد، اقدام فرمانده ناو را تدافعی خواند و چندی پس از آن به فرمانده ناو نشان «قهرمان» داده شد. چنین پنداشته می‌شد که این کار مانند انداختن بمب اتمی بر ناکازاکی و هیروشیما، هر چند زشت است، ولی به جنگ پایان می‌دهد.<sup>۶۹</sup> حمله به هواپیمای ایرباس، خشم ایرانیان نسبت به آمریکا را بیش از پیش کرد.

پس از این دوران نیز برخی مسائل در افزایش فاصله میان دو کشور مؤثر بوده است. از جمله اینکه در سالهای موسوم به «دوران سازندگی» با وجود نقش مثبت ایران در آزادسازی گروگانهای غربی در لبنان<sup>۷۰</sup> و بحران کویت<sup>۷۱</sup>، و مسالمت‌آمیز شدن روابط میان دو کشور به

کوشیده است بعنوان نیروی سومی در برابر اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان ظاهر شود و چهره‌ای مثبت و انسان‌دوستانه از خود به یادگار بگذارد. تحکیم و تثبیت چنین تصویری در ایران، مایه امیدواری بسیاری از ایرانیان شد. تأسیس «کمیته اعانه ایران»، تضمین مواد پیمان سه‌جانبه توسط روزولت، فرستادن دکتر میلسپو و کمکهای آمریکا به ایران و... قوام‌بخش نگاه مثبت ایرانیان به آمریکا بود. اما پس از جنگ جهانی دوم و با افزایش یافتن اهمیت منابع نفتی خاورمیانه، رقابت آمریکا با انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی وارد مرحله دیگری شد. در آن دوران، اقدامات آمریکا برای شکستن استیلای اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا بر ایران، همسو با خواست و رضایت ایرانیان بود، اما با رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دست داشتن آمریکا در آن، نوعی بدگمانی در بدنه اجتماعی ایران نسبت به آمریکا پدید آمد، هرچند پس از آن رویداد گونه‌ای همپیمانی استراتژیک میان دولت‌های ایران و آمریکا شکل گرفت و کامیاب برای ۱۵ سال پابرجا ماند.

با بروز انقلاب اسلامی و به دنبال آن تصرف سفارت آمریکا به‌دست دانشجویان، جریانی در بدنه حاکمیتی ایران تقویت شد که نگاهی منفی به آمریکا داشت و آنرا کشوری می‌دانست که در راه جلوگیری از حرکات استقلال‌طلبانه ایرانیان گام برمی‌دارد. رفته‌رفته این بی‌اعتمادی در بخشی از جامعه و حکومت نهادینه شد و چنین می‌نماید که همین بدگمانی و بی‌اعتمادی، مانع از تصمیم‌گیری اعتمادسازانه میان طرفین می‌شود. به ادعای آمریکا، برخی اقدامات و رفتارهای جمهوری اسلامی، ثبات و امنیت منطقه را به‌خطر می‌اندازد و ایران را در رده کشورهای پشتیبان تروریسم قرار می‌دهد؛ از این‌رو هرگونه همکاری با آن و اعتماد به آن برخلاف راهبردهای آمریکا شمرده می‌شود. از نگاه ایرانیان نیز بسیاری از رفتارها و سیاست‌های آمریکا با استقلال‌طلبی و حقوق ملی و بین‌المللی ایران ناسازگار بوده و ایالات متحده با فعالیتهای مسالمت‌آمیز ایران برخوردی دشمنانه دارد.

در مورد رفتار ایالات متحده آمریکا، در واکاوی برهه‌های تاریخ ایران می‌باید به این نکته توجه داشت که این رفتار نشانه نوعی برخورد پراگماتیستی و عمل‌گرایانه است و برابری آزمون و تجربه است؛ به این معنا که ایالات متحده آمریکا برپایه آموزه مونروئه، پیش از جنگ جهانی دوم، گرایش به نوعی انزوا و کوشش برای دور نگه‌داشتن خود از زیانهای جنگ داشته است. بویژه

● به‌نظر می‌رسد که آمریکاییان از اوضاع ایران شناخت چندانی نداشته‌اند، زیرا کارتر در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ که به ایران آمد، این کشور را «جزیره ثبات در یکی از طوفانی‌ترین مناطق دنیا» معرفی کرد و سیانیز در گزارش اوت ۱۹۷۸ وضع ایران را انقلابی یا حتا پیشانقلابی ارزیابی نکرده بود. درست نه روز پس از سخنرانی کارتر در ایران، در قم تظاهراتی به راه افتاد که دامنه آن گسترش یافت و سلسله‌وار تا پیروزی انقلاب پیش رفت.

شد. در شامگاه سوم ژانویه ۲۰۰۲ اسرائیل مدعی شد که مأمورانش یک کشتی به نام «کارین A»<sup>۶۴</sup> را که حامل جنگ‌افزارهایی از سوی ایران برای تشکیلات خودگردان فلسطین بوده، متوقف ساخته‌اند.<sup>۶۵</sup> این رویداد مشکوک زمینه را برای زدن اتهامات بعدی به ایران فراهم آورد و در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ جورج بوش در سخنرانی سالانه‌اش در کنگره آمریکا بنام سخنرانی «وضع کشور»<sup>۶۶</sup>، ایران و عراق و کره شمالی را بعنوان محور شرارت معرفی کرد.<sup>۶۷</sup> همچنین در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ نمایندگان گروهک تروریستی مجاهدین خلق مدعی شدند که ایران در تأسیسات نطنز و تجهیزات آب سنگین اراک، مخفیانه<sup>۶۸</sup> سرگرم تکمیل فرایند چرخه سوخت و غنی‌سازی اورانیوم است. از آن پس جمهوری اسلامی ایران در محافل رسانه‌ای غربی بعنوان حکومتی معرفی شد که با وجود نارساییهایی که در حوزه دموکراسی دارد، از تروریسم پشتیبانی می‌کند و از همین‌رو در سودای ساخت جنگ‌افزار اتمی است تا ثبات بین‌الملل را مخدوش و موجبات دسترسی تروریستها به بمب اتمی را فراهم کند. پس از این زمینه‌سازها بود که قطعنامه‌های زنجیره‌ای<sup>۶۹</sup> برضد ایران صادر شد و فشارهای بین‌المللی بر آن فزونی یافت. هرچند احتمال برقراری روابط میان ایران و آمریکا بر پایه اصول و قواعد علم سیاست هرگز دور از ذهن نبوده است، با وجود این توجه به این نکته کلیدی مهم است که هر دو کشور به گونه‌ای از ناآگاهی ناشی از بی‌اعتمادی رنج می‌برند که در تاریخی به درازای ۶۰ سال تثبیت شده است.

### بهره سخن:

رفتار ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران در دوره‌های گوناگون متفاوت بوده است. آمریکا نخست

Francis, 2012

۲. البته پیش از وی ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران در انگلستان به صورت تصادفی چند روزی را در آمریکا به سر برده بود و بعنوان اولین فرد ایرانی که به قاره آمریکا سفر کرده است در کتاب خود حیرت‌نامه اشاره‌ای به این موضوع داشته است.

۳. دهشیری، محمدرضا. نقش آمریکا بعنوان نیروی سوم در سیاست خارجی ایران (۱۲۶۱هـ ش/ ۱۸۸۳ میلادی تا ۱۳۲۵هـ ش/ ۱۹۴۶ میلادی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، واحد معارف و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

4. Majd, Mohammad Gholhi. **The Great Famine & Genocide in Iran: 1917-1919**. University Press of America, 2013.p.1

5. Bonakdarian, Mansour. **U.S.-Iranian Relations, 1911-1951**. Mac Millan Center Middle East Studies. p.12

6. American Persian Relief Commission.

7. Majd, Mohammad Gholhi. *Ibid.*, p.16.

۸. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا: سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۷۵ و ۷۴.

۹. بیگدلی، علی. «سیاست‌های نفتی آمریکا در ایران». زمانه. شماره ۶۹، ۱۳۸۷

۱۰. شیخ نوری، محمد امیر؛ ولی پور، محمد. ایران، «آمریکا و جنگ جهانی دوم». زمانه شماره ۴۴، ۱۳۸۵.

۱۱. رنجبر، مقصود. «رقابت آمریکا و انگلیس در ایران و نهضت ملی شدن صنعت نفت». زمانه. شماره ۲۰

۱۲. نقیب‌زاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل. تهران: نشر قومس، چاپ سوم ۱۳۸۴. ص ۲۵۲

۱۳. اختر شهر، علی. همان. ص ۶۳

۱۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، همان. صص ۱۲۷-۱۰۵.

۱۵. البته پیش از این تاریخ نیز کمپانی نفتی سینکلر از خرداد ۱۳۰۰ مذاکره با دولت قوام‌السلطنه را برای کسب امتیاز نفت شمال ایران آغاز کرده بود که به سبب قتل رابرت ایمبری نایب کنسول سفارت آمریکا در تهران و دلال کمپانی نفتی سینکلر در ۲۷ تیر ۱۳۰۳ (۱۸ جولای ۱۹۲۴م). موقتاً حضور نفتی آمریکا در ایران کاهش یافت.

Badiozamani, Badi. *Ibid.* pp. 32-33. 16

۱۷. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. همان. صص ۱۴۰-۱۲۷.

۱۸. در جریان نخست‌وزیری رزم‌آرا، تظاهرات بزرگی در میدان بهارستان تهران به راه افتاد که در آن شعار ملی کردن صنعت نفت سر داده بودند. رهبری این تظاهرات بر عهده آیت‌الله کاشانی بود. همچنین پس از قتل رزم‌آرا، آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که دولت ایران جز ملی کردن صنعت نفت راهی ندارد. [ر.ک. فقیه حقانی، موسی. تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

که با وجود ورود آمریکا به جنگ جهانی یکم و کنار گذاشته شدن آموزه مونروئه از سوی وودرو ویلسون، آمریکا در سایه سنگین این آموزه از پیوستن به جامعه ملل خودداری کرد و از مداخله در امور بین‌الملل کناره گرفت. از این رو، آنچه در روابط آمریکا با دیگر کشورها پیش از جنگ جهانی دوم دیده می‌شود، ناشی از همین رویکرد است؛ چنان‌که با همین برخوردها، آمریکا در چشم ایرانیان همچون دوست و پشتیبان محرومان جلوه می‌کرده است. اما پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال سخنرانی ترومن در ۱۲ مارس ۱۹۴۷، سیاست جدید آمریکا با شعار پشتیبانی از ملت‌های در معرض خطر سلطه کمونیسم آغاز شد و به دنبال آن جهان به دو اردوگاه تقسیم گردید.<sup>۲۰</sup> این سیاست تازه، در بحران ملی شدن صنعت نفت ایران تناقضات درونی خود را به خوبی به رخ کشید و در بدنه حاکمیتی و مردمی ایران در راستای همراهی با آمریکا شکاف انداخت تا آنکه با انقلاب اسلامی، بدنه حاکمیتی ایران به جریان مردمی نزدیکتر شد و با وجود پیش آمدن زمینه‌هایی مساعد برای بهبود روابط، به سبب بی‌اعتمادی سنگینی که در نهاد هر دو کشور ریشه افکنده بود، با برخوردهای همکاری‌جویانه و مسالمت‌آمیز طرفین، از جمله گفت‌وگوهای مربوط به پرونده هسته‌ای و برجام، به دیده تردید و بدبینی نگریسته شد و هنوز نیز نشانی از عادی شدن روابط دیده نمی‌شود. حتا در دوران دولت یازدهم نیز که فضای روابط میان دو کشور آرامتر و امیدوارانه‌تر به نظر می‌رسید، باراک اوباما برای سی و ششمین سال متوالی از زمان کارتر، «وضع اضطراری» در مورد ایران را تمدید کرد و نوشت: «روابط ما با ایران هنوز به حالت عادی بازنگشته است». این درحالی است که روز پیش از امضای این فرمان، ایران و گروه ۵+۱ در مسقط سرگرم گفت‌وگو بر سر پرونده هسته‌ای بودند و میان ایران و قدرتهای جهانی پیرامون موضوع اتمی توافقه‌های اصولی و امیدبخشی صورت گرفته بود.

#### پی‌نوشت:

۱. تا این زمان تعدادی از مبشرین مذهبی همچون Harrison Justin Perkins؛ Gray Otis Dwight؛ Eli Smith در سال ۱۸۳۰؛ در سال ۱۸۳۴ و Asahel Grant در سال ۱۸۳۵، مستقل از سیاستهای آمریکا در ایران به تبلیغ مسیحیت می‌پرداختند.

(برای آگاهی بیشتر ر.ک به دو کتاب:

Badiozamani, Badi. *Iran & America: Rekindling a Love Lost*. East-West Understanding Press, May 2005  
Waterfield, Robin. *Christians in Persia*. Taylor &

۳۷. البته پیش از این نیز سفارت آمریکا در ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ توسط چریکهای فدایی خلق تصرف شد و با دخالت کمیته انقلاب و سپس وساطت دولت بازرگان به دولت آمریکا تحویل داده شد. رک به: روزنامه اطلاعات تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۵۷

۳۸. ... در این انقلاب، شیطان بزرگ که امریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند. و چه بچه شیطانیهایی که در ایران هستند و چه شیطانیهایی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است. توطئه‌های زیرزمینی در همین سفارتخانه‌ها که هست دارد درست می‌شود، که مهمش و عمده‌اش مال شیطان بزرگ است که امریکا باشد. (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۸۹)

39. See: Farber, David. **Taken Hostage: The Iran Hostage Crisis and America's First Encounter with Radical Islam.** Princeton University Press, 2009. p. 144.

۴۰. از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت آمریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده است سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ‌وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این: ۱- اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ‌وجه نباید با آنان ملاقات نمایند. ۲- هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند. ۳- اگر چنانچه امریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما - را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد. (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۵۸)

41. See: Alikhani, Hossein. **Sanctioning Iran, Anatomy of a Failed Policy.** I.B. Tauris, 2000. pp. 68-70.

42. United Nations Security Council Resolution 457, S/INF/35, 1979.

43. Alikhani, Hossein. **Ibid.** pp. 73-75.

44. Charlie Alvin Beckwith

۴۵. خداوردی، حسن. همان. ص ۱۸۵.

46. Shareef, Mohammed; **The United States, Iraq and the Kurds: shock, we and Aftermath.** Routledge, 2014. p.8

۴۷. البته پیش از این نیز عراق به شکلی محدود و غیر رسمی تجاوزهایی به ایران کرده بود که از آن میان می‌توان به بمباران آبادان و خرمشهر در مهر ماه ۵۸، اشغال کنسولگری ایران در بصره در آبان ۵۸، حمله ارتش عراق به تأسیسات نفتی ایران در دهلران در اردیبهشت ۵۹، محاصره قصر شیرین در ۲۷ شهریور ۵۹ و بارها تجاوز به حریم هوایی و زمینی نقاط مرزی ایران اشاره داشت. اما نکته‌ای که دارای اهمیت است

ایران معاصر. [۱۳۹۱]

۱۹. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. **صحنه‌هایی از تاریخ معاصر ایران.** تهران: علمی. چاپ دوم. ۱۳۷۸.

20. Bonakdarian, Mansour. **Ibid.** pp. 16-17.

۲۱. خبرگزاری فارس به تاریخ ۸۶/۶/۲۵ و آدرس اینترنتی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8606210034>

۲۲. اختر شهر، علی. همان. صص ۶۴-۶۵

23. **Operation Ajax**

Gasiorowski, Mark J. & Byrne, Malcolm. 24 **Mohammad Mosaddeq and the 1953 Coup in Iran,** Syracuse University Press, 2004, p. 257.

25. Bahgat, Gawdat; **American Oil Diplomacy in the Persian Gulf and the Caspian Sea.** University Press of Florida, 2003. p.107.

۲۶. پس از ایشان آیت... شریعتمداری نیز نوروز سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کرد و روحانیون تهران و مشهد نیز از این حکم پیروی کردند.

۲۷. خداوردی، حسن. **روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی.** تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸. ص ۹۷.

۲۸. «... ایران تحت رهبری عالی‌ه شاه، جزیره ثبات و آرامش در یکی از طوفانی‌ترین مناطق جهان شده است... اعلیحضرتا این ستایشی است از رهبری شما و احترام و عشق و سپاسی که ملت به شما دارند» (غرایاق زندگی، داوود و جمعی از نویسندگان. همان. ص ۲۰۹)

۲۹. خداوردی، حسن. همان. ص ۱۰۰

۳۰. خداوردی، حسن. همان. ص ۱۴۲

31. See: Emery, Christian. **US Foreign Policy and the Iranian Revolution: The Cold War Dynamics of Engagement and Strategic Alliance.** Palgrave Macmillan, 2013. p. 93.

32. Zanchetta, Barbara. **The Transformation of American International Power in the 1970s.** Cambridge University Press, 2013. pp. 271-279.

۳۳. ملاقات در ۲۳ فروردین ۱۳۵۸/۱۲ آوریل ۱۹۷۹م. برگزار شده بود.

۳۴. خداوردی، حسن. همان. صص ۱۵۳-۱۴۸.

35. See: Patrick Houghton, David. **US Foreign Policy and the Iran Hostage Crisis.** Cambridge University Press. 2004. pp.65-70

۳۶. در فاصله ۱۹ نوامبر تا ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹، ۱۳ تن از گروگانها که بیشتر آنان زن یا سیاه‌پوست بودند، آزاد شدند. همچنین در ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۰ یکی دیگر از گروگانها به دلیل نشانه‌های بیماری آزاد شد. بقیه افراد تا ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۱ بعنوان گروگان به سر می‌بردند.

آمریکا و ناتو به منطقه را نیز محکوم کرد و با حفظ بی طرفی ظاهر شد.

۶۰. جرج بوش پدر در این دوران می‌کوشید تا با حمایت از اسرائیل به تضاد میان اعراب و اسرائیل پایان دهد و فرایند صلح را میان طرفین برقرار کند. اما ایران معتقد بود تا زمانی که حقوق فلسطینی‌ها تأمین نشود، صلح پایدار محقق نخواهد شد. از همین رو حمایت جمهوری اسلامی ایران از حماس، حزب‌ا... و جهاد اسلامی فلسطین از نظر امریکا فرایند صلح خاورمیانه را مخدوش می‌کرد.

۶۱. همان، ص ۱۱۹

۶۲. البته در سند امنیت ملی سال ۲۰۰۲ آمریکا هیچ اشاره مشخصی به فعالیت‌های ایران نشده است، هرچند در سند امنیت ملی سال ۲۰۰۱ به اندازه کافی به ایران توجه شده است.

۶۳. در سند امنیت ملی آمریکا، سالهای ۱۹۹۷م. و ۲۰۰۶م. کلمه "Human Rights" دقیقاً در مورد ایران به کار نرفته است و به شکل تلویحی به کشورهای منطقه که حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند اشاره می‌شود.

64. Karine A

۶۵. حسینی متین، سید مهدی. *رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد*. تهران: ابرار معاصر تهران. آذر ماه ۱۳۹۱. ص ۱۵۰.

66. State of the Union Address

۶۷. «کره شمالی رژیم مسلح به موشکها و سلاحهای کشتار جمعی است درحالی که شهروندان خود را گرسنه نگه داشته است. ایران فعالانه در پی این سلاح‌هاست و ترور صادر می‌کند... عراق به دشمنی‌اش با آمریکا می‌بالد و از تروریسم حمایت می‌کند... دولت‌هایی مثل اینها و متحدان تروریست آنها «محور شرارتی» تشکیل داده‌اند و مسلحانه صلح جهانی را تهدید می‌کنند. در هر صورت، بهای بی‌تفاوتی [در مقابل آنها] فاجعه‌آمیز خواهد بود.» (حسینی متین. سید مهدی. همان. ص ۱۵۲)

۶۸. برابر با اظهارات البرادعی ایران چهار ماه قبل از این احداث این تأسیسات را اعلام کرده بود. همچنین مطابق با قرارداد جامع پادمان (ماده Nfcirc/۲۱۴) تا شش ماه قبل از آنکه مواد به سایت‌ها تزریق شود، نیازی به اعلام آن به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست. (این آیین‌نامه در حال حاضر اصلاح شده است)

۶۹. تاریخ این قطعنامه‌ها عبارتند از: ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳م، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳م، ۱۳ مارس ۲۰۰۴م، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴م، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴م، ۱۱ آگوست ۲۰۰۵م، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵م، ۴ فوریه ۲۰۰۶م، ۳۱ جولای ۲۰۰۶م، ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶م، ۲۴ مارس ۲۰۰۷م، ۳ مارس ۲۰۰۸م، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸م، ۹ ژوئن ۲۰۱۰م، ۹ ژوئن ۲۰۱۱م. و ۷ ژوئن ۲۰۱۲م.

۷۰. ر.ک به نقیب‌زاده، احمد. همان. ص ۲۵۴.

پشتیبانی تلویحی و سپس رسمی آمریکا از این اقدام بود که صدام را برای جنگ به امید پیروزی مصمم کرد.

48. Tarock, Adam. *The Superpowers' Involvement in the Iran-Iraq War*. Nova Publishers, 1998. pp. 61-68.

۴۹. آمریکا می‌کوشید طرفین را تا جایی تضعیف کند که نیاز خود را به آمریکا بیشتر احساس کنند. در این میان نیز مواظب بود تا دو کشور به اندازه‌ای تضعیف و ورشکسته نشوند که به سبب فقر به دامان کمونیسم بیفتند.

۵۰. غرایاق زندی، همان. ص ۱۲۵

۵۱. برای نمونه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۶۶ جنگنده‌های عراقی به اشتباه به ناو آمریکایی استارک در خلیج فارس حمله می‌کنند که موجب کشته شدن ۳۷ آمریکایی می‌شود. با عذرخواهی عراق از این حمله و تقبل پرداخت غرامت، ماجرا بدون هرگونه اقدام تلافی‌جویانه تمام شد. جالب اینجاست که ایالات متحده ایران را متهم می‌کرد که با گسترش جنگ در خلیج فارس به بروز این گونه حوادث دامن زده است.

۵۲. همچنین طرحی باعنوان «عملیات استانچ» به دولت ریگان ارائه شد که هدفش جلوگیری از فروش سلاح به ایران بود. در این عملیات آمریکایی‌ها با جمع‌آوری اطلاعات در مورد خرید جنگ‌افزار توسط ایران، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند تا مانع از فروش جنگ‌افزار به ایران شوند. این روند ضمن طولانی کردن مسیر دسترسی ایران به جنگ‌افزار، قیمت فروش آنها به ایران را نیز افزایش می‌داد.

۵۳. شوروی نیز با دادن لقب ایران - گیت به این ماجرا، اقدام آمریکا را نکوهش کرد.

54. Lisa Klobuchar, *The Iran-Contra Affair: Political Scandal Uncovered*. Capstone, 2008. p. 68.

۵۵. چون در آن زمان ایران در لیست حامیان تروریسم بین‌المللی بود و آمریکا نباید معامله یا مذاکره‌ای با ایران انجام می‌داد.

56. John B. Thompson. *Political Scandal: Power and Visibility in the Media Age*. John Wiley & Sons, 2013. Chapter 7: Watergate and the Iran- Contra Affair.

۵۷. معبادی، حمید. همان، ص ۱۳۳

۵۸. ماجرای گروگانگیری به سال ۱۹۸۵م. باز می‌گشت که توسط گروه‌های شیعی در لبنان صورت گرفته بود. با همکاری ایران تمامی گروگانها آزاد شدند و در پی آن دبیرکل سازمان ملل، عراق را مسئول آغاز جنگ ۸ ساله معرفی نمود.

۵۹. عراق در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد. آمریکا و متحدانش با پشتیبانی شورای امنیت در ۲۶ دی ماه ۱۳۶۹ به عراق حمله کرد که به عملیات طوفان صحرا شناخته شد. کویت آزاد و عراق مجبور به عقب‌نشینی شد. ایران، در عین محکوم کردن حمله عراق به کویت تجاوز